

## تحلیل جامعه‌شناسخی اولویت‌های تربیت شهروند مطلوب در اسناد رسمی و واقعیت اجتماعی

\* مدرس\*

ناصر کمالپور خوب<sup>۱</sup>

\* سید ضیاء هاشمی<sup>۲</sup>

سید محمد نجاتی حسینی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف: این پژوهش با هدف شناسایی و اولویت‌بندی مؤلفه‌های شهروندی مطلوب از نظر نظام رسمی جمهوری اسلامی و میان دانش‌آموزان انجام گرفت.

روش: روش مطالعه این پژوهش کمی-کیفی بود که بر مبنای آن نخست با مرور اسناد رسمی (قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) با منطق روش تحلیل محتوای کیفی، مؤلفه‌های تربیت شهروندی مطلوب مدنظر نظام جمهوری اسلامی ایران به صورت نظری، فیض برداری شد. سپس فرایند کدگذاری کیفی روی آنها انجام گرفت. در ادامه برای شناسایی جایگاه مؤلفه‌های شهروندی و نمود آنها در بین دانش‌آموزان ( واحد تحلیل)، از میان معلمان متوسطه پسرانه شهر تهران به عنوان واحد مشاهده به روش پیمایش و با استفاده از نمونه-گیری خوشای چندمرحله‌ای، نمونه‌ی ۲۱۰ نفری انتخاب شد. داده‌ها با استفاده از پرسشنامه خودساخته جمع‌آوری گردید که مقدار الفای آن ۰/۸۲ در سطح قابل قبولی بdst آمد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار spss و با استفاده تحلیل عامل اکتشافی و در سطح معناداری ۰۰۵ انجام شد.

یافته‌ها: در این پژوهش با واکاوی مفهومی اسناد مطالعه، مشخص شد که تمامی مؤلفه‌های تربیت شهروندی در جمهوری اسلامی ایران با محوریت دین و رسیدن به قرب الهی مفهوم‌سازی شد. براین اساس شهروند در حوزه دینی با شاخص‌های اعتقادی، عبادی، شناسخی و در حوزه اجتماعی با شاخص‌های منفعت اجتماعی، مشارکت و نقش‌آفرینی مجازی اجتماعی مطلوب به شمار می‌آید. با بررسی محورهای شهروندی در بین دانش‌آموزان مؤلفه‌ی اعتماد و مسئولیت‌پذیری با (مقدار ویژه ۱۲/۰ و تعهد دینی و سازمانی با مقدار ویژه ۰/۷۳) بیشترین نمود را در بین دانش‌آموزان داشتند.

نتیجه‌گیری: با بررسی نسبت داده‌های دو بخش کمی و کیفی می‌توان نتیجه گرفت لزوم توجه به اولویت‌های تربیت دانش‌آموزان به عنوان شهروندان آینده می‌تواند به هم‌گرایی دورنی نظام رسمی و واقعیت جامعه کمک کند.

کلید واژه‌ها: شهروند مطلوب، سنتتحول بنیادین آموزش و پرورش، دانش‌آموز، معلم، روش سه بعدی تک مرحله‌ای

۱- گروه جامعه شناسی، دانشگاه ازاد تهران مرکزی، تهران ایران.

۲- گروه جامعه شناسی، دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه تهران، تهران ، ایران (نویسنده مسئول). zhashemi@ut.ac.ir.

۳- گروه علوم ارتباطات اجتماعی، دانشگاه ازاد تهران مرکزی، تهران، ایران.

\* این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری است.

## مقدمه

شهروندی از مقوله‌های مورد توجه هر دو حوزه رسمی و مدنی است. هرچند، عمدتاً حدود اختیارات و تکالیف آن را نظامهای رسمی تعیین می‌کنند و میزان همگرایی فرد با الگوها و ایدئولوژی حاکم، معیار مطلوبیت شهروندی به شمار می‌آید. به عبارتی فرد زمانی به عنوان شهروندی مطلوب به حساب می‌آید که بتواند از حداقل‌های نقش‌آفرینی و نقش‌پذیری مناسب با جامعه برخوردار باشد و به درجه‌ای از خودبستندگی رسیده باشد. اما خودبستندگی خود نیازمند درک هستی‌شناختی از انتظارات دیگری که همانا حاکمیت است و اینکه چه حقوق و نیازمندی‌هایی از دیگری مطالبه‌گر است (کمالپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹). دیگری در این مطالعه، جایگاه سازندگی و تعیین‌کنندگی نظام رسمی است، که با تدوین استناد بنیادی تربیتی، به تداوم قدرت خود از طریق تربیت نسل‌های نوجوان و جوان و انتقال الگوهای مسلط خود به آنان، کمک می‌کند. هدف اصلی این پژوهش، تحلیل رویکرد نظام رسمی تربیت در جمهوری اسلامی ایران به مقوله تربیت شهروند مطلوب طی فرایند آموزش از طریق واکاوی معنایی استاد مرتبط با این حوزه، و شناسایی نمودهایی که معرف شاخص‌های شهروندی در بین دانش‌آموزان است. دستیابی به این هدف نیازمند مطالعه‌ی منسجم و دوسویه‌ای است، که بتوان از طریق آن نسبت مؤلفه‌های تربیتی را در حوزه استاد تربیت رسمی (استاد بالادستی تربیت چون قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش) و حوزه واقعی (دانش‌آموزان) با محوریت مقوله‌ی تربیت شهروندی مشخص و تحلیل کرد. مناسب با این هدف دو پرسش مطرح می‌شود:

-شهروند مطلوب نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران چه شاخص‌هایی دارد؟

-کدام محورهای مقوله شهروندی در بین دانش‌آموزان نمود بیشتری دارد و در عمل به آنها توجه می‌شود؟

به طور کلی مبنای تربیت شهروندی، یادگیری است (ساترداک<sup>۱</sup>، ۲۰۰۸) و به فرایندی اشاره دارد که در دو ساحت آموزش شهروندی، با اهداف یادگیری فعالانه و داوطلبانه از یک سو و آموزش برای شهروندی که تنها آموزش و فضاهای مدنی، خصوصیات و اصول شهروندی شهروندان را شکل داده و به ساختارها و نهادهای رسمی مربوط می‌شود (شارع پور، ۱۳۹۰: ۲۹۸). شناسایی این نسبت می‌تواند تکالیف و وظایف هر فرد\_شهروند و کنشگری را سامان می‌دهد که خود را به عنوان شهروند و عضو فعال، تأثیرگذار و کنشگری خلاق، آگاه، بادانش، عملگرا، مسئول و دارای حق در نظر گیرد. توماس.اس.دی<sup>۲</sup> تعاون، همکاری و دانایی محوری؛ می‌هوی لتو<sup>۳</sup> آرستگی شخصی، دانش محوری محلی، ملی و جهانی، سخت‌کوشی، تبعیت از قانون، نوع دوستی و مشارکت را از مؤلفه‌های شهروندی عنوان کردن؛ فالکس<sup>۴</sup> ویژگی‌هایی چون مسئولیت‌پذیری، کل‌نگری، احترام به اصول اخلاقی و سامنر شاخص‌هایی مانند تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه‌های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی، درک نیازها، نگرش‌های دیگران و رفتار متعهدهانه را به عنوان مؤلفه‌های اساسی شهروندی مطرح کردند (سبحانی نژاد و منافی، ۱۳۹۰: ۲۹۱). پرایور<sup>۵</sup> معتقد است مفهوم شهروندی تا حد قابل توجهی وابسته به شرایط کشورهای خاص و ویژه است. جامعه مدنی در یک کشور به معنای استقلال اقتصادی و برای کشور دیگر به معنای استقلال سیاسی-اجتماعی یا دارا بودن حق آزادی بیان است (پرایور، ۱۹۹۹، به نقل از سبحانی نژاد و منافی، ۱۳۹۰: ۲۹۰). امیل دورکیم<sup>۶</sup> تربیت شهروندی را انتقال دانش، مهارت و ارزش‌های منتشر شده از نسل‌های بزرگ‌سال به نسل‌های ناپخته جهت زندگی اجتماعی تلقی می‌کند. او بر این باور است که مجموعه خصلت‌های آموزشی مورد نیاز برای تربیت شهروندان در جوامع مختلف در دوره‌های مختلف از نظر اهداف، روش و محتوا متفاوت است، و با توجه به ساختار اقتصادی، سیاسی و فرهنگی هر جامعه صورت خاص خود را دارد (دورکیم<sup>۷</sup> به نقل از شارع پور، ۱۳۹۰: ۲۹۵).

پژوهش‌های میدانی نیز حاکی از آن است که ابعاد آموزش و تربیت از اولویت‌های مهم جامعه امروزی و نظامهای رسمی می‌باشد. دالتون<sup>۸</sup> (۲۰۰۶) در پژوهشی با عنوان هنجره‌های شهروندی و مشارکت سیاسی، علایق شهروندی فراگیر مانند میزان رأی

1. santrock

2.Tomas.D.s

3.Me. hooe.Ieo

4.Fuleks

5.priuor

6.Emil Durkehim

7. Dalton

دادن، هویت ملی، اعتماد به حکومت و غیره را بررسی می کند. در این پژوهش اهمیت مشارکت به مثابه بعد اصلی شهروندی فعال عنوان اندازه گیری شده است. به دنبال مفهوم مشارکت، استقلال فردی، نقش شهروند در آگاه بودن پیرامون چگونگیس حکومت برای ایفای نقش مشارکتی، همبستگی فرد و جامعه و جنبه های شورایی و انتقادی شهروندی مورد توجه قرار گرفته است. هاسکینز و ماشرینی<sup>۱</sup> (۲۰۰۹) در «سنچش شهروندی فعال در اروپا» یکی از مهم ترین پژوهش ها را در این حوزه انجام دادند. نتایج این دو محقق نشان می دهد که سهم ابعاد در تبیین واریانس شاخص ترکیبی شهروندی فعال به ترتیب مربوط به حوزه جامعه مدنی (۵, ۲۹٪)، حوزه زندگی محلی (۲۶,۹٪)، حوزه زندگی سیاسی (۲۵,۹٪) و حوزه ارزش ها (۱۷,۷٪) است. تن<sup>۲</sup> (۲۰۰۷) در پژوهشی با عنوان «اسلام و آموزش شهروندی در سنگاپور چالش ها و کاربردها» به بررسی و تحلیل مفهوم آموزش شهروندی در سنگاپور پرداخت. در نهایت عنوان کرد که در هنگام بررسی مفهومی و عملیاتی شهروند نیازمند توجه به در نظر گرفتن مقوله مذهب و جایگاه و نقش آن در تربیت شهروند می باشد.

پژوهش گران داخلی نیز هر کدام بر محوری از جایگاه شهروندی، شیوه های تربیتی، انتظارات حوزه عمومی از نظام رسمی در مقوله شهروندی و تکالیف شهروندان، پرداختند. غیاثوند (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران آثارها و پیامدها، نسبت به میزان اثربخشی طرح شهردار مدرسه جهت آموزش و تربیت شهروندی به این نتیجه رسیدند، که به ترتیب اولویت تقویت احساس مسئولیت پذیری، افزایش احساس علاقه و تعلق نسبت به محیط، شخصیت بخشی و توانمند سازی فردی افراد، افزایش مشارکت جمعی در بین دانش آموزان، بیشترین میزان تاثیرگذاری را در زمینه یادگیری و آگاهی شهروندی داشتند. محمدی، حسین و همکاران (۱۳۹۶) در پژوهشی با عنوان تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی به مبانی و اصول تربیت شهروندی از نظر اسلام پرداختند. آنها در این پژوهش چند نکته در بعد هستی شناختی شهروندی از نظر اسلام عنوان می کنند: کمال ایمان در توحید، یگانه دانستن او و تکامل توحید در اخلاق این به ساحت مقدس ربی، محور تربیت شهروندی است. باقری (۱۳۹۳) در پژوهش خود نشان داد که میان سه بعد حقوق قانونی و مدنی، حقوق سیاسی و حقوق اجتماعی شهروندان با تمهدات و اخلاق شهروندی در قبال دولت رابطه مثبت و مستقیم وجود دارد. به عبارت دیگر هر چقدر میزان حقوق شهروندان افزایش یابد، تمهدات و اخلاق شهروندی در قبال دولت بیشتر نمایان می شود و تأثیر افزایشی و مثبتی خواهد گذاشت. کیشانی فراهانی (۱۳۹۲)، در پژوهشی با عنوان مؤلفه های اساسی تربیت شهروندی اسلامی به این نتیجه رسیدند که این نوع تربیت در برگیرنده مولفه های ارزشمند بودن، هدفمند بودن، مردم سالاری دینی، نوع دوستی، شایسته سالاری و استقلال بررسی کردند. در این تحقیق مردم سالاری با (۷۶ درصد) و نوع دوستی با (۶۸ درصد) بیشترین درصد رابه خود اختصاص دادند.

## روش پژوهش

این پژوهش، مطالعه ای توصیفی- تحلیلی بود که به روش کمی- کیفی انجام گفت. در بخش کیفی، محتوای اسناد بالادستی تربیت با کمک روش تحلیل محتوای کیفی مورد واکاوی درونی قرار گرفت. مؤلفه های مسئله مورد مطالعه در قالب رمزها، زیر مقوله ها، مقوله ها، مضمون و تم کدگذاری شد. در این بخش نمونه گیری به صورت نظری از دو سند قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و مبانی نظری آن انتخاب گردید. در بخش کمی روش پیمایشی انتخاب شد. بر مبنای آن پژوهشگر با مراجعه میدان پژوهش داده های مورد نظر را گردآوری کرد. جامعه آماری در این پژوهش دانش آموزان متوسطه شهر تهران بودند. اما با توجه به هدف اصلی پژوهش که شناسایی نسبت مؤلفه های شهروندی مطلوب در اسناد رسمی و میدان واقعی (بین دانش آموزان) بود، و دانش آموزان از محورهای شهروندی و محتوای اسناد رسمی اطلاعات کافی نداشتند، لذا معلمان به عنوان نیروی اصلی انتقال دهنده الگوهای نظام رسمی، به عنوان کنشگری رابط بین نظام رسمی و جامعه دانش آموزی به عنوان واحد مشاهده انتخاب گردید. که می توانند بازگو کننده نسبت اسناد رسمی مرتبط حوزه تربیت با میدان واقع و چگونگی فرایند شکل گیری و تربیت دانش آموزان به مثابه شهروندان آینده باشند. واحد تحلیل در این پژوهش دانش آموزان پسر شهر

تهران در نظر گرفته شد. نمونه‌ها به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشای چند مرحله‌ای انتخاب شد. بدین صورت که ابتدا شهر تهران به پنج بلوک شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز تقسیم شد. از هر بلوک دو منطقه انتخاب گردید. سپس از هر منطقه دو ناحیه انتخاب شد و از هر ناحیه سه مدرسه انتخاب گردید. در نهایت از هر مدرسه ۷ معلم انتخاب شد که نمونه ۲۱۰ نفری تعیین گردید. برای گردآوری داده‌ها از پرسشنامه‌ی خودساخته استفاده شد. بدین صورت که نخست اعتبار پرسشنامه توسط متخصصین<sup>۱</sup> این حوزه تایید شد، سپس پایابی آن از طریق آلفای کرونباخ برابر با ۰/۸۲. بدست آمد، که در سطح قابل قبولی است. داده‌های گردآوری شده با کمک نرم افزار spss و با استفاده تحلیل عامل اکتشافی آنالیز شد. در نهایت برای دست‌یابی به هدف اصلی مسئله، نتایج دو بخش به کمک روش سه‌بعدی تک مرحله‌ای همزمان تلفیق و تحلیل شد. منطق این روش بدین صورت است که داده‌های دوبخش کمی و کیفی به صورت مجزا آنالیز شده، سپس نتایج آنها با هم مقایسه و تحلیل می‌شود(کراسول، ۱۹۹۹).

## یافته‌ها پژوهش

متناسب با هدف اصلی پژوهش که شناسایی مؤلفه‌های تربیت شهروندی از محتوای اسناد تربیت رسمی و میزان نمود آن در میان دانش‌آموزان می‌باشد، و برمنای روش سه بعدی تک مرحله‌ای همزمان انتخاب شده برای این پژوهش، نخست یافته‌های بخش اسنادی مورد تحلیل قرار گرفت. سپس یافته‌های بخش کمی ارائه شد؛ در مرحله تحلیل، با مقایسه‌ی داده‌های دوبخش به نتیجه‌گیری و ارزیابی هدف اصلی پرداخته شد. برمنای تحلیل متون اسناد مورد بررسی(قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پژوهش و مبانی نظری آن) شاخصه‌های اصلی شهروند مطلوب مورد نظر جمهوری اسلامی ایران در دو مقوله شهروند دینی و اجتماعی مفهومسازی شد. این دو مقوله به همراه مؤلفه‌ها، زیرمقوله و رمزهای مربوطه در جدول زیر کدگذاری شد.

جدول ۱. کدگذاری و مقوله سازی شاخصه‌های شهروند مطلوب جمهوری اسلامی به روش تحلیل محتوای کیفی

زمینه	مضمون	مفهوم	مؤلفه	اعتقادی	عبدی	شناختی	منفعت	مشارکت	نقش آفرینی	نقشه عزیمت تحول	شاهروند دینی اجتماعی	قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پژوهش
زیرمقوله انسان توحیدگر، باورمند به مبانی اقلایی، مذهبی، راز روحانیت به عنوان بیرونی، برنامه کاهش فاصله طبقات.	مراسم دعا، پایبندی به مناسبات همه‌جانبه، پذیرش روحانیت به عنوان پذیرش نیاز و نیروی فرهنگی؛ وجودن متناسب، همه‌جانبه، همه‌جانبه، پذیرش فرهنگی؛ وجودن متنکی به کاری، کسب علوم	شرکت در مراسم دعا، پایبندی به مناسبات روحانیت به عنوان پذیرش فرهنگی؛ وجودن متنکی به کاری، کسب علوم	پذیرش حقوق پسر فردمحوری نهادمحوری	ارزشی، اخلاقی، علمی، فرهنگی	پذیرش حقوق	مشارکت	نقش آفرینی اجتماعی-	نقشه عزیمت تحول	نقش آفرینی اجتماعی-	نمایه انسان، پذیرش حقوق	نمایه انسان، پذیرش حقوق	نمایه انسان، پذیرش حقوق
گسترش سوادآموزی به وسیله دولت	درونی فرهنگ نماز و سواد قرآنی، شناخت شییخون فرهنگی	مردم	استحکام	جهان اسلام	رابطه با	استحکام	مسئولیت‌پذیری اراده فردی اراده ایجاد خاص، ایجاد	و بیزگی‌های فاعلی، شرایط فاعلی،	یکسان، پژوهش بودن با حفظ بودن و دختر بودن و دختر	همه‌جانبه، پذیرش حفظ حقوق	همه‌جانبه، پذیرش حفظ حقوق	همه‌جانبه، پذیرش حقوق
سیاست دینی خدا	پذیرش حکومت و حکومت و اشتکام، استحکام حکومت و اشتکام	مردم	کاری، کسب علوم	متقابل	پذیرش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	پذیرش	پذیرش
راهنما و مشاور تأیید شد. 2 -creswell	اعتبار پرسشنامه توسط استاد راهنما و مشاور تأیید شد.	رمز	استحکام	عملگرایی خودآگاهی،	اراده‌گرایی ازش خواهی،	دگرخواهی،	هویت	اراده‌گرایی ساختار‌گرایی	اراده‌گرایی ازش خواهی،	دگرخواهی،	اراده‌گرایی	عملگرایی خودآگاهی،

جنسيتی، جهتگیری فراملی خاص	پویایی وظیفه‌شناس	موقعیت شناسی متوجه	روحیه دینی، انقلابی‌گری، پذیرش همگرایی دین نیروی و سیاست لایتاهی خداوند
----------------------------------	----------------------	-----------------------	--

(کمالپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹)

برمنای فرایند کدگذاری تحلیل محتوای کیفی استند مورد بررسی، محیط اجتماعی-آموزشی مدرسه به عنوان مهمترین میدان عمل نظام رسمی برای تربیت شهروند مطلوب خود، به عنوان مضمون(تم) اصلی از مقوله‌های تربیت دینی و اجتماعی استخراج شد(جدول ۱). نتایج بدست آمده از تحلیل استند در جدول بالا در این زمینه حاکی از آن است که طراحی، برنامه‌ریزی و مبانی خواسته شده در هر دو سند، که برای نهادهای جامعه هدف لازم‌الاجراست، نوعی از تربیت را ارائه می‌دهند که شهروند مطلوب را برای سوژه و ابژه‌ی دینی مهیا کند(کمالپورخوب و همکاران، ۱۳۹۹). محورهای این نوع تربیت در ساختهای مختلف تربیت بر محوریت سه اصل، پذیرش دین و حکومت دینی، اعتقاد به مبانی اسلام و پذیرش انقلاب اسلامی در ایران و لوازم استوار است.

همانگونه که قبلاً گفته شد، شهروند مطلوب جمهوری اسلامی در دو مقوله‌ی دینی و اجتماعی مفهومسازی شد. مقوله‌ی دینی با مؤلفه‌های اعتقادی، عبادی و شناختی، در بیرونی زیرمقوله‌هایی از مؤمن بودن و یکتاپرستی گرفته تا التزام عملی و باورمندی، مانند شرکت در مراسم دعا، انجام فرائض دینی و عبادی می‌باشد. در بعد شناختی، مؤلفه‌های ارزشی، اخلاقی، علمی و فرهنگی-هنری تقریباً اکثر گسترده‌ی هست‌ها، بایدها و نبایدهای تربیت را در بر می‌گیرد. بایدها، نبایدها و هنجارها با زیرمقوله‌های، تقویت فضایی اخلاقی، باور به ارزش‌های اسلامی-انقلابی، هویت دینی و پذیرش ارزش‌هایی چون جهاد، عفاف و حجاب، تقویت فرهنگ نماز با نیت و عمل و توسعه این فرهنگ، اصل قرار می‌گیرد. در مؤلفه‌های علمی و هست‌ها، برخوردار از انواع مهارت‌ها و شایستگی‌های کارآفرینی، خلاقیت، تغییر و تأثیرگذاری نقش تعیین‌کننده دارند(جدول ۱).

در مقوله شهروند اجتماعی، مؤلفه‌های منفعت اجتماعی، مشارکت اجتماعی-سیاسی، نقش‌پذیری مجازی اجتماعی و نقطه آغاز تحول (فرد محوری یا جمع محوری) به عنوان مقوله‌های اصلی و مرتبط با مقوله تربیت شهروندی در استند مورد بررسی مفهوم‌سازی شد. نتایج نشان می‌دهد که در تمامی مقوله‌ها هدف‌گذاری و غایت تربیت شهروندی با هم‌دیگر سنتیت دارند. تنها در مقوله «نقطه عزیمت تحول» تعارض فرایندی استنباط می‌شود. در بخش‌هایی فرد اصل قرار می‌گیرد. در بخش‌هایی از همان سیاست‌گذاری نهاد و ساختار مبنای قرار می‌گیرد(جدول ۱).

داده‌های بخش کمی به کمک تحلیل عامل اکتشافی برای شناسایی مؤلفه‌های شهروندی و اولویت‌بندی این مؤلفه‌ها در بین دانش‌آموzan آنالیز شد. برمنای نتایج تجزیه و تحلیل، ۲۷ گویه مورد آزمون قرار گرفت. در نهایت ۲۵ گویه در مدل باقی ماند. بر اساس نتایج آزمون کیزر-میر-اولکین(kmo) با مقدار( $\geq 0.803$ ) مشخص شد، که می‌توان داده‌های موجود را به عامل‌های پنهانی تقلیل داد. و نتایج آزمون کرویت بارتلت نیز در سطح خطای کوچکتر از  $0.01 = 1586/65$  معنادار است ( $p \leq 0.01$ ). معنا دار است. این نشان می‌دهد که می‌توانیم همانی بودن ماتریس همبستگی متغیرها را رد کرده (حبیب‌پور و شالی، ۱۳۹۴: ۲۵۸) و بر اساس همبستگی بین متغیرها و معنای انضمامی آنها بتوانیم ساختار جدیدی بسازیم. به عبارتی می‌توان از روش تحلیل عاملی برای بررسی و تقلیل عوامل تربیت شهروندی مطلوب استفاده کرد.

جدول ۲. نتایج آزمون kmo و ضریب بارتلت

ازمون کلیزر-میر-اولکین	ضریب کرویت بارتلت	درجه آزادی	درجه معناداری(Sig)
۸۰۳			
۱۵۸۶/۶۵			
۳۰۰			
...			

همچنین برای شناسایی عامل‌های زیربنایی، بر اساس معیار نظری پژوهشگر، گویه‌هایی که مقدار بار عاملی آنها بالاتر از  $0.40$  بودند، در تحلیل باقی ماند. گویه‌های باقی‌مانده در شش عامل بار شدند. این شش عامل متغیرهای مکنون را شکل دادند. پژوهشگر با توجه به وجه اشتراک این متغیرها و با توجه به واریانس مشترک آنها، متغیرهای مکنون را نامگذاری مجدد کرده

است. این شش عامل در کل توانستند با فراوانی تجمعی ۵۵/۵۴ درصد از واریانس گویه‌های مربوط به شهروند مطلوب را تبیین کنند. بر اساس نتایج سهم و مقدار ویژه عامل‌ها بیشترین عامل با سهم ۲۴/۰۴۹ درصد و مقدار ویژه ۶/۰۱۲ عامل اول و عامل ششم با سهم ۴/۹۰۴ و مقدار ویژه ۱/۲۲۶ درصد کمترین سهم را در تبیین واریانس متغیرها داشتند. برای چرخش عاملی از روش واریماکس استفاده شده است.

جدول ۳. نتایج تحلیل عامل‌ها با سهم و مقدار ویژه

عامل	مقدار ویژه	واریانس	فراوانی تجمعی
۱	۶/۰۱۲	۲۴/۰۴۹	۲۴/۰۴۹
۲	۲/۰۷۳	۸/۲۹۳	۳۲/۳۴۲
۳	۱/۶۵۷	۶/۶۲۸	۳۸/۹۷۰
۴	۱/۵۰۰	۶/۰۰۰	۴۴/۹۷۰
۵	۱/۴۱۸	۵/۶۷۱	۵۰/۶۴۱
۶	۱/۲۲۶	۴/۹۰۴	۵۵/۵۴۵

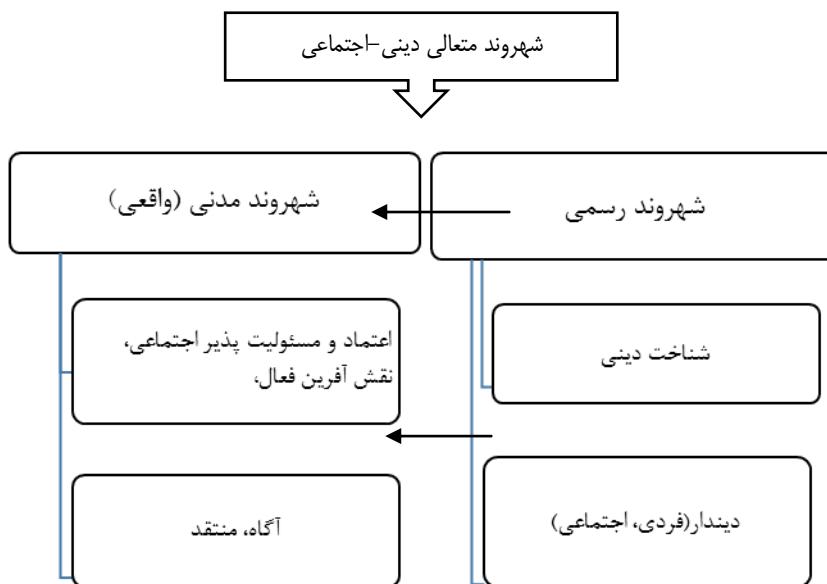
با توجه به نتایج تحلیل آماری در نهایت عوامل اصلی معرف شهروندی در بین دانشآموزان، شش عامل اعتماد و مسئولیت-پذیری، تعهد دینی و سازمانی، هنجارپذیری اجتماعی، نقش‌آفرینی فعالانه، توانایی نقد و آگاهی تربیتی راهبردی(کارآمدی) به- عنوان مؤلفه‌های شهروندی شناسایی و مفهومسازی شد. پس از مشخص شدن تعداد عامل‌ها و سهم و مقدار ویژه‌ی آنها، مطابق با عامل‌های چرخش یافته به روش واریماکس، گویه‌های هر عامل با مقدار باراعمالی آن گویه و میزان اشتراک با عامل مربوطه در جدول زیر ارائه می‌گردد.

جدول ۴. ماتریکس همبستگی بین گویه‌ها و عامل‌ها به روش چرخش عاملی واریماکس/میزان اشتراک

ردیف	عامل	متغیر	بار عاملی	میزان اشتراک
۱	اعتماد و مسئولیت پذیری	محیط شاداب مدرسه	%۷۰	/۶۲۵
		محیط خلاق مدرسه	%۶۶	/۵۷۹
		شیوه تربیتی مفید مدرسه	%۴۲	/۴۹۵
		احساس وظیفه در مدرسه	%۵۰	/۵۸۳
		حفظ اموال عمومی	%۵۱	/۵۲۴
		حفظ محیط زیست	%۶۰	/۶۰۳
		تمایل به کارگروهی	%۶۵	/۵۲۲
۲	تعهد دینی و سازمانی	خواندن نماز	%۶۳	/۶۰۷
		احترام به شعائر دینی	%۴۷	/۴۱۷
		شرکت در مناسبهای اجتماعی	%۷۵	/۶۱۶
		مشارکت در تشکل‌های مدرسه	%۵۶	/۵۳۵
		عضویت در بسیج	%۷۴	/۶۰۸
		راعیت قوانین مدرسه	%۶۷	/۶۰۹
		رعایت هنجرهای کلاسی	%۶۹	/۶۲۰
۳	هنجر پذیری اجتماعی	تقید به سنتهای اجتماعی	%۵۹	/۵۶۲
		مخالف تفکیک جنسیتی مشاغل	%۵۰	/۴۹۱
		فعالیت غیردرسی فعالتر	%۷۲	/۶۱۹
		کمک فعالانه به عوامل مدرسه	%۶۸	/۶۶۰
		دفاع فعالانه از حقوق خود	%۴۷	/۲۸۲
		نقد معلم	%۶۵	/۵۴۰
		نقد سیستم آموزشی متمرک	%۷۳	/۶۷۰
۴	نقش افرینی فعالانه	الگوپذیری از فضای مجازی	%۶۳	/۴۱۶
		آگاهی معلمان از سند تحول	%۷۰	/۵۰۷
		پیروی آگاهانه دانشآموزان از الگوهای تربیتی رسمی	%۵۶	/۵۹۷
		منتقد		
۵	آگاهی تربیتی راهبردی			
۶	آگاهی تربیتی راهبردی			

کمک به عوامل آموزشی و ارائه راهکار	٪۵۷	٪۵۹ /۵۷۹
برمینای نتایج جدول اول بیشترین واریانس از تعداد متغیرها تبین کرد. همچنین در واریانس مشترک متغیرهای نقد سیستم آموزشی متمرکز( $h^2=0.670$ )، کمک به عوامل مدرسه( $h^2=0.66$ ) و پذیرش محیط شاداب مدرسه( $h^2=0.66$ ) به ترتیب بیشترین واریانس را داشتند که توسط کلیه عوامل نهایی توانایی شده است، و متغیرهای توانایی دفاع از حقوق خود ( $h^2=0.282$ )، الگوپذیری از فضای مجازی ( $h^2=0.416$ )، و احترام به شعائر دینی ( $h^2=0.417$ ) به ترتیب کمترین واریانس مشترکی را داشتند که بوسیله عوامل نهایی تبیین شدند.		

با شناسایی مقوله‌های شهروندی مطلوب در اسناد رسمی و میدان واقع، و مشخص شدن اولویت‌های تربیت شهروندی در هر دو حوزه، می‌توان گفت یک شهروند آرمانی و متعالی مطلوب جمهوری است، که برخوردار از شاخص‌های دینی و اجتماعی برپایه مبانی دین اسلام، با زیرمقوله‌های مربوطه باشد(جدول ۱). در میان دانشآموزان نیز همین شاخص‌ها با تغییر جایگاه و درجه اهمیت نیز نمایان شد(جدول ۴). در مرحله انتزاعی این کدگزاری و عامل‌سازی، شهروند برخوردار از ویژگی‌های دینی و اجتماعی برای نظام رسمی جمهوری اسلامی با عنوان شهروند متعالی دینی-اجتماعی مطلوب مفهوم‌سازی شد.



برمینای این مدل، شهروند مطلوب به عنوان کنشگری که مورد تأیید نظام رسمی جمهوری اسلامی ایران باشد؛ متعهد به تبعیت از ارزش‌های دین نظام حاکم است. ویژگی‌های این ارزش‌گذاری دست‌یابی به درجه‌ای از شناخت دین اسلام و پایبندی و التزام آنان در عمل به عنوان نشانه‌های دینداری است. پس از مجهز شدن به چنین شناسه‌هایی، فرد وارد عرصه نمایش خود در قامت شهروند دیندار فردی و اجتماعی برخوردار از حداقل اختیار و اراده می‌شود(مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰). بر مبنای این اراده‌گرایی هدفمند به درجه‌ای از خودآگاهی در حقوق و تکالیف شهروندی می‌رسد، که می‌تواند فعلانه نقش آفرینی می‌کند. چنین سوژه‌ای با همنوا کردن خود با الزام‌های دینی حاکم، با تقویت حس اعتماد و پذیرش مسئولیت اجتماعی و سازمانی به صورت آگاهانه، شرایط، علل و پیامدهای کنش‌ها، ساختار و سازمان‌ها را مورد نقد قرار می‌دهد. تمامی این کنش‌ها به عنوان شرط لازم برای شهروند مطلوب مورد انتظار نظام رسمی بحساب می‌آیند؛ اما برای لازم و کافی بودن شهروندی، مشروط به پایبندی به اصول و معیارهای دین اسلام در همه ساحت‌های اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و علمی است. فردی که بتواند فرایند فراگیری، پایبندی و انتقال مهارت‌ها و شاخص‌های ذکر شده(جدول ۱) را در چارچوب مبانی نظام دینی-اعتقادی سازماندهی کند، شهروندی متعالی است.

## بحث و نتیجه‌گیری

هدف اصلی پژوهش حاضر، واکاوی شاخص‌های تربیت شهروند مطلوب از محتوای استناد رسمی جمهوری اسلامی از یک سو، و شناسایی ویژگی‌هایی که در رفتار، اعمال و منش دانش‌آموزان، معرف مقوله‌ی شهروندی بود. برای دست‌یابی به این هدف از یک سو استناد بالادستی تربیت رسمی مانند قانون اساسی و سند تحول بنیادین آموزش و پرورش تحلیل شد. در سوی دیگر برای شناسایی نمودهای تربیت شهروندی در میدان واقع، دانش‌آموزان پسر متوسطه شهران تهران انتخاب شدند. برای ارزیابی و اینکه بتوان نسبت مسئله مورد پژوهش را بهتر تحلیل کرد، از معلمان که هم نماینده نظام رسمی بوده و از استناد رسمی و محتوای آنها آگاهی داشتند، هم به صورت پیوسته با دانش‌آموزان ارتباط دارند برای گردآوری داده‌ها استفاده شد.

نتایج یافته‌های بخش استنادی و کمی حاکی از آن است که نوعی نگرش مشابه به فرایند شکل‌گیری تربیت شهروند در استناد رسمی و مؤلفه‌های شهروندی در بین دانش‌آموزان وجود دارد. هرچند این نگرش در اولویت‌بندی تاحدوی متفاوت است. از آن روی که در بخش استنادی شهروند مطلوب جمهوری اسلامی فردی تماماً پاییند به مبانی دین اسلام معرفی شد، که مهارت‌ها و توانایی‌های اجتماعی بودن را فرا گرفته و در عمل نشان دهد. مقوله‌هایی که با سازه انتزاعی‌تر دیندار اجتماعی مفهوم سازی شد(جدول ۱). آنچه از این سازه استنباط می‌شود، اینکه به نظر می‌رسد هر دستورالعمل، بخشنامه و قانونی برای بخش‌های مرتبط با امر تربیت، اعم از نهادهای کلان تصمیم‌گیر و تصمیم‌ساز تا عوامل اجرایی چون مدرسه، یاددهنده، فرآگیر و رسانه، باید با معیار دین اسلام ارزش‌گذاری و سنجیده شود. به عبارتی شرط مطلوب بودن شهروند در جمهوری اسلامی ایران به صورت رسمی در حوزه عمل و نظر، برخوردار بودن از ویژگی‌های دین اسلام و پاییندی به اصول آن در تمامی ساحت‌ها و سطوح است. پذیرش مهارت‌های اجتماعی همچون منفعت اجتماعی، نقش‌آفرینی اجتماعی و...مشروط به برخوردار بودن از مبانی دینی در همه ساحت‌ها می‌باشد. از این رو بر مبنای استنباط پژوهشگر نوعی شهروند مشروط کنترل شده‌ای معرفی می‌شود که تحت الزام‌های دینی از درجه‌ای از اختیار و انتخاب برخوردار است(جدول ۱). شهروند متعالی دیندار و اجتماعی که در این پژوهش مفهوم‌سازی شد، شکل مطلوب و ایده‌آل مورد نظر جمهوری اسلامی است که به نظر می‌رسد دین و اعتقاد اسلامی تعیین‌کننده هویت، عمل و سرنوشت اوست. اما بعد از شناسایی مؤلفه‌های شهروندی میان دانش‌آموزان اولویت‌های متفاوتی بدست آمد. بدین صورت که توجه به مؤلفه‌های دینی به عنوان ویژگی اصلی شهروندی در جمهوری اسلامی در جایگاه دوم اهمیت قرار گرفت. در حالی که اعتماد و مسئولیت‌پذیری با مقدار ویژه ۱۲۵ و واریانس ۴۰/۰۴۹ به عنوان شاخص اصلی شهروندی در جایگاه اول اهمیت مورد توجه دانش‌آموزان متظاهر شد. سایر مؤلفه‌ها(نقش‌آفرینی فعال، هنجارپذیری، منتقد و آگاهی تربیتی راهبردی) به لحاظ درجه اهمیت و توجه بعد از عامل تعهد دینی قرار گرفتند(جدول ۴). یعنی شرط دیندار بودن و پاییندی به معیارهای دینی را پذیرفته و فعالیت‌های خود را به هر دلیلی با مؤلفه‌های دینی سازگار دانستند. استنباط پژوهشگر این است که این تغییر جایگاه اولویت‌ها از هدف‌گذاری تا واقعیت، می‌تواند ناشی از دو عامل متفاوت باشد: نخست اینکه تصمیم‌سازان بخش فرهنگی-تربیتی نظام رسمی از واقعیت‌های میدانی نسل دانش‌آموزی درک و شناخت کافی ندارند. دوم اینکه شاید این همه تاکید مفرط مستقیم بر مبانی دینی و لزوم پاییندی دانش‌آموزان به رعایت آنها نوعی فضای جزئی در میان دانش‌آموزان ایجاد کرد که کارکرد معکوس داشته و باعث تغییر اولویت دانش‌آموزان از مؤلفه‌های دینی شده است.

اگر مسئله‌ی اولویت‌بندی عامل‌های شهروندی را نادیده بگیریم، نوعی هم‌ستخی نسبت به مقوله شهروند مطلوب میان دو حوزه نظام تربیت رسمی و میدان واقع تربیت شهروندی وجود دارد. آنگونه که در استناد مورد بررسی شاخص‌هایی چون دینداری، منفعت اجتماعی، مشارکت سیاسی-اجتماعی و انتخاب مسیر تکامل برمبنای اراده‌ی فردی و تعهد سازمانی در تربیت شهروندی مورد تأکید بود؛ همین مؤلفه‌ها نیز با تغییرات جزئی در میان دانش‌آموزان شناسایی شد(جدول ۱ و ۴). در نتیجه استنباط پژوهشگر از کدزاگی مقوله‌های استخراجی از استناد رسمی و مؤلفه‌های شناسایی شده میان دانش‌آموزان، با سازه شهروند متعالی دینی-اجتماعی مفهوم‌سازی شد، که هم شرط دینداری را داشته باشد، هم فعالانه، آگاهانه و پویا نقش‌ها و مسئولیت‌هایی را پذیرد. به نظر می‌رسد این شهروند تمامی تعهدات، منفعت، نقش‌آفرینی و انتخاب مسیر تربیت خود را تا رسیدن به مرحله تکامل دینی، مشروط به در نظر گرفتن معیار الهی-دینی در زندگی فردی و اجتماعی است، تا مطلوب و تکامل یافته به شمار آید. از آن رو مشروط است که هرگونه عمل، نظر و فعالیتی که می‌خواهد در هر مرحله از تفکر تا عمل انجام دهد، باید صبغه‌ای دینی آن هم دین اسلام داشته باشد. از آن روی پویاست که بعد از پذیرش دین و اصول و هنجارهای اجتماعی و فردی دینی به صورت فعال

و آگاهانه البته در چارچوب همان الزام‌های دینی ایفای نقش می‌کند و به مسئولیت‌های شهروندی دینی خود عمل می‌کند. این نتایج با پژوهش کیشانی فراهانی (۱۳۹۲)، محمدی و همکاران (۱۳۹۶)، همچنین با یافته‌های پژوهش‌های دالتون (۲۰۰۶)، هاسکینز و ماشیرینی (۲۰۰۹) و تن (۲۰۰۷) هم‌سو است.

براین اساس، ضرورت دخالت و در رأس قرار گرفتن معلمان صاحب‌نظر در طراحی و تصمیم‌سازی تربیت دانش‌آموزان به عنوان کنشگرانی که از ابعاد گوناگون فردی و اجتماعی دانش‌آموز اطلاع داشته و از مبانی استناد تربیت رسمی نیز آگاهی دارند؛ امری ضروری است. چراکه می‌توانند انتقال دهنده اولویت‌ها و نیازهای تربیتی شناسایی شده در سکنات دانش‌آموزان به تصمیم‌سازان نظام تربیت رسمی باشند. همچنین تشکیل گارگوهی متشکل از معاونت اجتماعی استانداری و شهرداری، معاونت اولیا و مریبان وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش پرورش هر منطقه و معلمان پژوهنده زیر نظر معاونت اجتماعی وزارت کشور به عنوان متولی تهیه، پیگیری و اجرای مؤلفه‌های تربیت شهروند در بین دانش‌آموزان می‌تواند به نهادینه کردن فرایند تربیت شهروندی کمک کند. از سویی به نظر می‌رسد انجام پژوهش‌های تلفیقی میان نسبت خرده نظام‌های نظام رسمی (اقتصاد، فرهنگ و سیاست) با مقوله تربیت و آموزش شهروندی، از سوی پژوهشگران می‌تواند به شناخت جایگاه شهروندی در جامعه مؤثر باشد، و از این طریق بتوان به نگرش جامعی از تربیت شهروند چند بعدی در ساختار کلان جمهوری اسلامی ایران دست یافت. از محدودیت‌هایی که در فرایند این پژوهش ایجاد شد، عمدتاً در بخش جامعه آماری بود. عدم همکاری مدارس دخترانه و حتی صدور مجوز رسمی از سوی نهاد رسمی مربوطه در مرحله گردآوری داده‌ها بود، که به ناچار جامعه آماری تنها مدارس پسرانه انتخاب شد. پژوهشگران می‌توانند به عنوان پژوهشی مکمل نسبت مؤلفه‌های تربیت شهروندی مورد انتظار نظام رسمی و نمود آنها را در مدارس دخترانه مورد تحلیل قرار دهند. همچنین نبود تحقیق منسجم تلفیقی که به طور همزمان مقوله شهروندی را از منظر دو نیروی رسمی (حاکمیت) و مدنی (عموم) با هم مقایسه و بررسی کرده باشد. به ناچار از پیشینه‌های مجازی که به صورت گل‌خانه‌ای و تک بعدی مسئله شهروندی را مورد توجه قرار دادند، استفاده شد.

## منابع

- باقری، لیلا. (۱۳۹۳). «بررسی اخلاق و حقوق شهروندی در جامعه و انتظار مردم از دولت(مطالعه موردی شهر تهران)»، *فصلنامه اخلاق زیستی*، ۴(۱۱): ۹۳-۱۲۶.
- حبيب‌پور، کرم؛ صفری، رضا. (۱۳۹۵).  *Rahnamai Jami SPSS dr Takhqiqat Piyamashii*، تهران: نشر لویه، چاپ هفتم.
- سانتراک، جان دبلیو. (۲۰۰۸). *Rوانشناسی تربیتی، ترجمه شاهده حسینی، مهشید عراقچی و حسین دانش فر.* (۱۳۸۷). تهران: نشر رسا.
- سبحانی‌نژاد، مهدی و منافی کاظم. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات یسطرون.*
- شارع‌پور، محمود. (۱۳۹۰). *جامعه‌شناسی آموزش و پرورش، تهران: انتشارات سمت.*
- غیاثوند، احمد. (۱۳۹۳). «آموزش شهروندی در مدارس شهر تهران. آثارها و پیامدها»، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، ۸(۲۳۹-۲۰۸): ۲۳۹-۲۰۸.
- كمالپورخوب، ناصر؛ هاشمی، سیدضیاء و نجاتی‌حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۹). «تبیین جامعه‌شناختی مواضع سیاسی تربیت دانش‌آموز به مثابه شهروند مطلوب در استناد رسمی جمهوری اسلامی ایران(مطالعه موردی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و سند چشم انداز ۲۰ ساله)»، *فصلنامه نوآوری‌های آموزشی*، ۱۹(۷۳): ۵۹-۸۰.
- كمالپورخوب، ناصر؛ هاشمی، سیدضیاء و نجاتی‌حسینی، سیدمحمد. (۱۳۹۹). تبیین جامعه‌شناختی نسبت شهروند مطلوب در استناد رسمی تعلیم و تربیت با واقعیت اجتماعی مدرسه. *پایان نامه دکتری، دانشگاه‌آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی.*
- کیشانی‌فرهانی، عزت‌الله و فرمه‌بینی‌فرهانی، محسن. (۱۳۹۲). «مؤلفه‌های اساسی تربیت شهروندی اسلامی‌ایرانی»، *فصلنامه مطالعات ملی*، ۱۴(۴): ۷۴-۵۱.
- مبانی نظری سند تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۰). *دانشگاه فرهنگیان.*
- محمدی، حسین، مزیدی، محمد و سعید، بهشتی (۱۳۹۶). «*تحلیل مفهومی مراحل و ابعاد تربیت شهروندی*»، *فصلنامه علمی پژوهشی رهیافتی نو در مدیریت آموزشی*، ۸(۴): ۸۳-۱۰۶.
- Creswell J W. (1999). "Mixed-Method Research: Introduction and Application in A. Tashakkori & C. Teddlie (eds.), *Handbook of Mixed Methods in SocialaAnd Behavioral Research*, Thousand Oaks, CA: Sage: 209-240.
- Dalton R. (2006). citizenship norms and political participation in America: the good news in the bad news is wrong, center for the study of democracy, university of California.
- Hoskins B & Mascherini M. (2009). meaduring active citizenship through the development of a composit indicators research, 90(3): 459-488.
- Lee W O. (1999). Qualities of citizenship for the new century: perception of Asian educational leaders. paper presented at the fifth unescoaceid, international conference on reforming leadering curriculum.
- Tan A. (2007). islam and citizenship education in Singapore: challenges and implications. education, citizenship a social justice, 2(1): 23-39.

## Sociological analysis of the priorities of educating the desired citizen in the official documents and social reality of the school

Naser Kemalpourkhob<sup>1</sup>

sayed Zeya Hashemi<sup>2\*</sup>

sayed Mahmoud Nejati Hosseini<sup>3</sup>

### Abstract

**Purpose:** This study was conducted with the aim of identifying and prioritizing the components of desirable citizenship in terms of the official system of the Islamic Republic and among students.

**Methodology:** The study method of this study was quantitative-qualitative, based on which, first by reviewing official documents (Constitution and the document of fundamental transformation of education) with the logic of qualitative content analysis method, the components of desirable citizenship education considered by the Islamic Republic of Iran theoretically, Fish - Removed. Then the quality coding process was performed on them. In order to identify the position of citizenship components and their manifestation among students (analysis unit), among boys' high school teachers in Tehran as a unit of observation by survey method and using multi-stage cluster sampling, A sample of 210 people was selected. Data were collected using a self-made questionnaire with an alpha value of 0.82, Achieved at an acceptable level. Data analysis was performed using SPSS software and exploratory factor analysis at a significance level of 0.05.

**Findings:** In this study, by analyzing the document of the constitution and the document of fundamental change in education, it was determined that the components of citizenship education are regulated and implemented with the focus on religion and reaching the nearness of God. Accordingly, a religious citizen with desirable religious, devotional, and cognitive characteristics and in the field of social action with the characteristics of social benefit, participation and role-playing is considered a desirable social. By examining the axes of citizenship among the students, the component of trust and social responsibility with (especially the value of 0.612 and strategic educational awareness with the special value (1.226) had the least manifestation among the students.

**Conclusion:** By examining the ratio of quantitative and qualitative parts, it can be concluded that the need to pay attention to the priorities of educating students as future citizens can help the internal convergence of the formal system and the reality of society.

**Keywords:** desirable Citizen, Basic Education Transformation Document, Student, Teacher, One-Step Three-Dimensional Method

---

1. PhD student in Political Sociology, Central Tehran Azad University.

2. PhD of Sociology, Faculty of Social Sciences, University of Tehran, (responsible Author) zhasemi@ut.ac.ir

3. PhD of Sociology, Central Tehran Azad University.

\*This article is taken from a PhD Thesis.